درون‌مایه‌های شیعی در هنر عصر تیموری با تأکید بر خط و خوش-نویسی

وحید عابدین پور جوشقانی، دکترای رشته تاریخ ایران دوره اسلامی*
معصومه سمائی دستجردی، دکترای رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

چکیده

تیموریان سلسله‌ای ترکی – مغولی بودند که در فاصله سال‌های (۹۱۳- ۷۷۱ ق) عموماً در نواحی ماوراءالنهر و ایران حاکمیت داشتند . تجربه هم‌زمان زندگی یکجانشینی و کوچ‌نشینی در الوس جغتای و آسیای مرکزی باعث شد تا تیمور و جانشینانش با اسلام و فرهنگ ایرانی آشنایی هرچند مختصری داشته باشند. به همین سبب مؤلفه‌های هویت ایرانی ازجمله هنر ایرانی و مذهب تشیّع در این زمان فرصت رشد و وحدت بیشتری یافتند . سیاست تسامح گرایانهٔ دولتمردان تیموری ، پیوند تشیّع با جریان تصوّف و تلاش شیعیان چه در درون جنبش‌های شیعی و چه به‌صورت فردی زمینه‌ای را فراهم ساخت تا مذهب تشیّع به‌ویژه در بُعد اجتماعی رشد بیشتری نسبت به ادوار گذشته پیدا کند . از طرفی هنر ایرانی و شاخه‌های متعدّد آن به‌ویژه هنر خوشنویسی در این زمان همانند ظرفی هستند که سایر مؤلفه‌های هویت ایرانی ازجمله مذهب تشیّع موضوع و مظروف آن را تشکیل می‌دهند. هنر خوشنویسی که با عنوان هنری اسلامی و مقدّس شناخته می‌شود ، در عصر تیموری در دو بُعد نظری و عملی با مفاهیم ، ارزش‌ها و شخصیت‌های شیعی ارتباط نزدیک و ملموسی پیدا کرد . الهام روحانی و الگوبرداری استادان خوشنویس از شخصیت امام علی (ع) و کاربرد فرهنگ شیعی در نظام استاد – شاگردی این دوره از ابعاد نظری و نگارش نسخه‌های خطی ، اشعار و کتیبه‌های شیعی در بُعد عملی قرار می‌گیرند . تحقیق حاضر باهدف تبیین نقش هنر خوشنویسی در نشر و نمایش معتقدات مذهبی جامعه تیموری از یک‌سو و چگونگی ارتباط این هنر با مذهب تشیّع در این زمان از سوی دیگر ، به دنبال بررسی علل و زمینه‌های این ارتباط و ثانیاً ویژگی‌های آن در دورهٔ تیموری است. مواردی که به شیوهٔ تحلیلی – توصیفی و با استفاده از منابع و اسناد تاریخی و هنری به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: هنر ، تشیّع ، خوش‌نویسی ، تیموریان.

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۰۱

*E-mail: abedinpoorv@yahoo.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

هنر خارج از ذوق و سلیقهٔ هنرمند و ظرفیت‌هایی که محرّک حس لذّت جویی انسان است ، دربرگیرندهٔ اندیشه‌ها ، باورها و معتقدات یک جامعه در طول زمان است . به عبارتی با تکیه بر ابزار و اسناد هنر می‌توان به بخشی از نظام فکری و اعتقادی یک کشور در طول تاریخ پی برد. به همین دلیل هنر پیش از اسلام در ایران گویای اندیشهٔ طبیعت‌محوری و توجّه به عناصر خلقت و با ورود اسلام به لحاظ فرم و محتوا منطبق باارزش‌های اسلامی می‌شود . با افول خلافت عباسی و بعد از هجوم مغولان در قرن ۷ق به‌تدریج مؤلفه‌های فرهنگی ایران نظیر مذهب تشیّع از تنگناهای تاریخی – مذهبی خارج‌شده و به بخشی از اندیشه‌های رایج به‌ویژه در طی حکومت تیموریان تبدیل گردیدند . به همین نسبت و از این زمان به بعد عقاید و اندیشه‌های شیعی در هنر ایرانی به‌صورت مداوم (بدون انقطاع تاریخی) رواج یافت و در عصر صفوی بود که هنر شیعی دوران اوج خود را سپری نمود. تیموریان (۷۷۱– ۹۱۳ق) از اقوام ترکی – مغولی ساکن در قلمرو اولوس جغتای هستند که در طی حکومت تقریباً ۱۵۰ سالهٔ خود بر ایران زمینه تقویت و وحدت مؤلفه‌های هویت ایرانی را فراهم نمودند. آشنایی با فرهنگ شهرنشینی و در پیش گرفتن شیوهٔ تسامح در عرصهٔ سیاسی ، از عوامل مهم ایجاد این فضا توسط آنان بود.

تحوّل در هنر خوشنویسی با ابداع خطوط خالص ایرانی تعلیق و نستعلیق از یک‌سو و ارتباط آن با جنبه‌های نظری و عملی مذهب تشیّع در این دوره مؤیّد مطلب مذکور است. موضوعی که مقالهٔ مذکور به بررسی ابعاد مختلف آن در قالب تاریخ هنر ایران پرداخته و سعی دارد تا چگونگی شکل‌گیری هنر شیعی و جزئیات ارتباط هنر خوشنویسی با تشیّع در این مقطع از تاریخ ایران را تبیین نماید. بی‌شک عواملی چون جایگاه هنر خوشنویسی در فرهنگ اسلامی ، افزایش جمعیت شیعیان ، تقویت مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی و سیاست مشروعیت طلبی حکومت در سمت‌گیری شیعیِ هنر تیموری تأثیر مستقیم داشتند. ارتباطی که طبق ساختار این بررسی می‌توان آن را در آیات و احادیث ، اسامی ، القاب و اذکار ، تألیفات ، ادعیه و اشعاری که با رویکرد شیعی و توسط خوشنویسان به‌صورت کتیبه و کتابت ثبت‌شده‌اند ، پیگیری نمود . نظام آموزشی (هنرآموزی) تیموری نیز بی‌تأثیر از فرهنگ تشیّع نبود. استادان صاحب نامی چون سلطانعلی مشهدی ، میرعلی هروی و مجنون رفیقی هروی آداب و آموزه‌های این مذهب و تأثیر آن در هنر را به‌صورت نظری و عملی و با الگوبرداری از ائمه شیعه ؛ به‌خصوص حضرت علی (ع) به هنرجویان انتقال می‌دادند. نتایج این بررسی که با تکیه بر منابع تاریخی و اسناد هنری بوده ،

Archive of SID

www.SID.ir

می‌تواند جوابگوی سؤالاتی درباره چگونگی تأثیرپذیری هنر و مذهب از یکدیگر ، شکل‌گیری هنر دینی و شیعی در تاریخ ایران و نقش هنرمندان در این زمینه باشد.

مذهب تشیّع در عصر تیموریان

تیموریان (۷۷۱– ۹۱۳ق) که نام خود را از تیمور (م۸۰۷ق) بنیان‌گذار خود گرفته‌اند، از ساکنان ترکی – مغولی ماوراءالنهر و شعبه‌ای از بازماندگان الوس جغتای (فرزند چنگیز) بودند.(رفیعی،۱۳۹۰: ۲۰۴)مؤلفه‌های حکومت تیموریان را دو بخش دستگاه ترکی – مغولی و یک ظاهر آراسته به فرهنگ اسلامی در قالب عموماً ایرانی تشکیل می‌داد. (جکسن و لاکهارت،ج۶، ۱۳۹۰: ۱۷۴) در بخش دوم بیشتر ایرانیان و عناصر بومی فعالیت داشتند. طبق این ساختار تیمور در حوزهٔ وسیع حکومتی خود شالوده‌های فرهنگ ایرانی را احیا کرد.این موضوع از توسعهٔ کلان‌شهر سمرقند که ذوق هنرمندان و صنعتگران ایرانی را بر پیشانی داشت و همچنین رونق و تقویت مؤلفه‌های هویت ایرانی نظیر مذهب تشیّع مشخص می‌شود. در این دوره مذهب تشیّع بعد از طی فشار چندین صدسالهٔ تسنّن و خلافت عباسی و در کنار تسامح گری سلاطین تیموری فرصت توسعه و مقدمه‌چینی به‌منظور رسمی شدن در عصر صفویه را یافت. در منابع این دوره آمده که تیمور طی فرمانی موقوفاتی را به روضهٔ مقدسه حضرت علی (ع)، امام حسین (ع)در کربلا و مشهد اختصاص داد. (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۳۵۸) وی در توجیه حملاتش به شام هم هرچند به‌صورت ظاهری همراهی شامیان با بنی‌امیه در خلق حادثهٔ عاشورا را بهانهٔ هجوم خود قرار داد. (شامی ، ۱۳۶۳: ۲۳۵؛ رفیعی،۱۳۹۰: ۳۹۰) حتّی سلطان حسین بایقرا(م۹۱۱ق) درصدد برآمد تا خطبه را به نام دوازده امام بخواند اما مشاوران سیاسی او را منع کردند. (زمجی اسفزاری ، ۱۳۳۸: ۳۲۹) سادات هم از اقشار صاحب نفوذ و محترم چه در جامعه و چه در دربار تیموری بودند. منز ، آن‌ها را جزء شورای شهرها(که از اعیان شهری بودند) قرار می‌دهد. (منز، ۱۳۹۲: ۱۹۱) جنبش‌های شیعی متعدّدی در قرن ۹ق به وجود آمدند که برخی از آن‌ها نظیر حروفیه و نوربخشیه ماهیت صوفی – شیعی داشتند. حروفیه به رهبری فضل‌الله استرآبادی خود را دوازده‌امامی دانسته و اندیشهٔ مهدویت را با قطبیت صوفیانه در هم آمیختند. (الشیبی، ۱۳۵۹: ۱۷۳) در حقیقت تصوّف در این زمان پلی بود میان تشیّع و تسنّن که به‌تدریج گرایش‌های شیعی در آن افزایش یافت. (منفرد، ۱۳۸۲: ۲۳۷)

Archive of SID

www.SID.ir

هنر خوشنویسی در عصر تیموریان

این دوره به لحاظ تحوّلات هنری که در آن صورت گرفت یکی از اعصار شاخص در تاریخ هنر ایران به شمار می‌رود ؛ چراکه هنر هم به لحاظ ساختار فنی و هم ازنظر اندیشه و جهان‌بینی موجود در آن واجد ویژگی‌های خاصی گردید. از منظر اندیشه و باور بین هنر تیموری با مؤلفه‌های هویت ایرانی ارتباط دوسویه‌ای برقرار گردید. به‌عبارت‌دیگر ، جهت‌گیری ایرانی هنر به‌واسطهٔ نقش آن در پذیرش و انعکاس ابعاد مختلف فرهنگ ایرانی ازجمله تصوّف، ادبیات، تاریخ، اندیشهٔ سیاسی و به‌خصوص مذهب تشیّع است. خوشنویسی یکی از شاخه‌های هنری واجد خصوصیات مذکور در قرن ۹ق است. ابداع و رواج خطوط تعلیق و نستعلیق در این زمان موضوعی است که هم در تاریخ خوشنویسی و هم در سیر تحوّل هویت ایرانی اثرات ماندگاری بر جای نهاد. خط تعلیق به دو شیوه نظام‌الدین احمد سمنانی و شیوهٔ تاج‌الدین سلمانی نوشته می‌شد. (شیرازی ، ۱۳۷۶: ۱۴۲) خط نستعلیق نیز که عنوان عروس خطوط اسلامی را گرفت ، در اواخر قرن ۸ق توسط خوشنویسانی چون میرعلی تبریزی تکامل‌یافته و قالب مناسبی برای زبان و ادب فارسی گردید. (قمی ، بی‌تا: ۶۳) در همین رابطه خوشنویسان و نستعلیق نویسان بزرگی نظیر جعفر بایسنقری (رئیس کتابخانه بایسنقر میرزا) میرعلی هروی و سلطانعی مشهدی ظهور کردند که در تاریخ خوشنویسی ایران ماندگار شدند. (نوایی، ۱۳۷۹: ۱۴۳؛ قزوینی، ۱۳۷۹:۵۲۴، همایی، ۱۳۷۵: ۲۸۰) در این رابطه باید از ابراهیم سلطان و بایسنقر میرزا شاهزادگان تیموری که به ترتیب شیراز و هرات را با گردآوری هنرمندان در رشته‌های مختلف به مراکز هنر تبدیل کردند ، یاد کرد . این دو که از نوادر دولتمردان هنرمند در تاریخ ایران هستند، در خطوط محقق و ریحان به خلق آثار فاخری دست زدند. (حافظ ابرو، ج۲، ۱۳۷۲: ۹۵۹؛ آژند، ۱۳۸۷: ۱۱۸)شهرهای تبریز، هرات و شیراز از مراکز اصلی خوشنویسی در طی قرون ۸و ۹ق بودند. شیراز به‌ویژه در حکومت اسکندر میرزا فرزند عمرشیخ و ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ در زمینه پرورش معماران ، خوشنویسان ، نقاشان و عالمان شهرت یافت. هرچند این شهر هرات است که عنوان پایتخت هنر تیموری را همراه دارد. (خواندمیر،ج۳، ۱۳۶۲: ۶۱۷؛ ریشار، ۱۳۸۳: ۶۰) در درون این مراکز نهادهایی چون کتابخانه‌ها ، کارگاه‌ها و دبیرستان‌ها هم بودند که اغلب ریاستشان بر عهدهٔ خوشنویسان بود و در جریان تحوّل خوشنویسی اثر مستقیم داشتند. (خوافی، ج۱، ۱۳۵۷: ۱۲۵؛ واصفی، ج۲، ۱۳۴۹: ۲۲۲) وجود این نهادها حاکی از وجود یک نظام تعلیم و تربیت در زمینه خوشنویسی است که با نام نظام استاد – شاگردی از آن یاد می‌شود. این نظام به دلیل ارتباط نزدیک دو طرف اغلب با نظام مریدی و مرادی در تصوّف مقایسه می‌شد. (شیمل ،

Archive of SID

www.SID.ir

۱۳۶۸: ۱۵۶؛ آژند، ۱۳۸۶: ۸۵) استفاده از هنر خوشنویسی و تأثیر خوشنویسان در روابط خارجی ، نقش خوشنویسان به‌عنوان منشی و دبیران دستگاه حکومت و دار الانشاء ، (یزدی ، ج۲، ۱۳۸۷: ۱۲۷۶؛ خواندمیر، ج۳، ۱۳۶۲: ۵۳۰؛ میرخواند، ج۵و۶، ۱۳۷۳: ۱۱۶۸) وفور خوشنویسان شاعر و شاعران خوشنویس(نوایی، ۱۳۶۳: ۶۰) رقابت مراکز مختلف در جذب و پرورش خوشنویسان (زکی محمدحسن، ۱۳۶۳: ۱۰۳) و رواج کتابت قرآن در این دوره ، از دیگر وجوه اهمیت هنر خوشنویسی در عصر تیموری هستند.

علل توسعهٔ هنر شیعی در عصر تیموریان

هنر را همان‌طور که می‌توان به لحاظ شیوهٔ اجرا به شاخه‌های مختلف نقاشی ، خوشنویسی و انواع دیگر دسته‌بندی کرد ازنظر نوع تفکّر و مفاهیم موجود در آن نیز قابل‌تقسیم است. فرم‌ها ، اشکال و سبک‌های هنری ویژگی‌های بیرونی و محتوا و مضامین موجود در یک اثر از خصائص درونی آن به شمار می‌روند. ساختار درونی هنر نیز خود شامل دو بخش کلی مادی و معنوی است. معنویت از صفات ذاتی هنر است که پژوهشگران تاریخ هنر با الهام از همین ویژگی آن را تحت عناوینی نظیر هنر سنّتی ، هنر قدسی ، هنر دینی و هنر اسلامی تعریف و تقسیم کرده‌اند.

به‌مقتضای ایجاد مذاهب مختلف در اسلام ، هنر اسلامی نیز به شاخه‌هایی نظیر هنر شیعی تقسیم‌بندی می‌شود. هنر شیعی به بیان، نمایش و یا انتقال همراه باذوق و سلیقهٔ فرد از اعتقادات، تفکّرت، مفاهیم، شخصیت‌ها، آداب و آیین‌ها، مراسم ، جریان‌ها و حوادث برگرفته از تاریخ و مذهب تشیّع می‌پردازد. این هنر در وجه بیرونی شامل اذکار، آیات، نام‌ها و القاب، شخصیت‌ها و احادیث و حوادث می‌شود و در وجه درونی به اصول اعتقادی تشیّع مانند امامت و عدالت می‌پردازد. ویژگی دیگر آن ، فرصت رشد و بالندگی یافتن در بستر و کالبد فرهنگ ایران و برقراری ارتباط نزدیک با مؤلفه‌های هویت ایرانی است. به‌استثنای ادواری مثل آل‌بویه که به‌صورت مقطعی از نمادهای شیعی در هنر استفاده می‌شد ، شروع و شیوع هنر شیعی در تاریخ ایران به‌تدریج و بعد از هجوم مغولان و سقوط خلافت عباسی به‌ویژه از عصر حاکمیت تیموریان به بعد اتّفاق افتاد.(جعفریان ، ج۲، ۱۳۷۵: ۷۴۴)

۱. رواج عقاید شیعی: ازآنجاکه هنر با مقولهٔ فرهنگ و جهان‌بینی ارتباط مستقیم دارد ، نمی‌تواند با بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی یک جامعه در تضاد باشد. به همان نسبت هنرمندان نیز در تغییر و تقویت ارزش‌های اجتماعی و مذهبی واجد توانمندی‌های بالقوه و بالفعل‌اند. درنتیجه رواج هنر شیعی در

Archive of SID

www.SID.ir

جامعهٔ تیموری ، بیانگر رشد اعتقادات شیعی در آن و افزایش جمعیت شیعیان است که به آن اشاره شد . (منز، ۱۳۹۲: ۱۹۱) به‌عبارت‌دیگر نشر یک‌جهت گیری خاص در هنر خبر از وجود زمینهٔ اجتماعی موجود آن می‌دهد.

۲. پیوند تصوّف و تشیّع: یکی از این زمینه‌ها گسترش تصوّف و عرفان شیعی در قالب شخصیت‌ها ، مراکز و جریان‌های صوفی –شیعی نظیر نعمت اللّهیه و صفویه در این دوره است که با توجّه به پیوستگی هنر و هنرمندان ایرانی با جریان تصوّف و عرفان اسلامی عامل تأثیرگذاری است. (الشیبی، ۱۳۵۹: ۱۷۰) در حقیقت با اقبال عمومی به جریان تصوّف و از طرفی با صفت شیعی گرفتن آن، هنر برآمده از دو موضوع نیز موردحمایت و عنایت قرار گرفت. باید افزود که نقطهٔ اتّصال عرفان و تصوف موجود و تشیّع در معرفت و انعکاس ویژگی‌های اخلاقی و دینی حضرت علی(ع) خلاصه می‌شد. (شیمل، ۱۳۶۸: ۹۰) ۳. نشر تألیفات و آیین‌های شیعی: در این زمان تألیفات منظوم و منثور شیعی ازجمله کتب و نسخ در موضوع فلسفه، کلام، فقه، ادبیات و دیوان اشعار هم افزایش یافتند. شرف‌الدین علی یزدی از مورخینی است که طبع شعری هم داشته و اشعارش در ابنیه یزد به کار رفت. (مستوفی، ج۱ و ۲، ۱۳۸۵: ۱۸۰) در کنار این‌ها آداب‌ورسومی ازجمله زیارت امامزادگان و قبور سادات و شیعیان، رواج روضه‌خوانی در مصیبت اهل‌بیت(ع) (جعفریان، ۱۳۷۵: ۶۷۴) نیز مورد توجّه جامعه و دولت بودند و بالطبع در شکل‌گیری معماری، خوشنویسی و نگارگری شیعی اثر گذاشتند.

۴. همراهی و تناسب با هنر اسلامی: هماهنگی و انطباق هنر شیعی با شاخص‌های هنر اسلامی ، از دیگر دلایل رشد آن بود. در تعریف هنر اسلامی گفته شد که سبک و شیوهٔ واقع‌گرایی و دوری از نمایش سه‌بعدی و طبیعی مدّ نظر قرار می‌گرفت. (خزائی، ۱۳۸۱: ۶۶) همین ویژگی در نگارگری تیموری و در نمایش شخصیت‌ها استفاده می‌شود و به عبارتی محتوا و مضمونِ اثر اهمیتی بیشتر از نمایش و بیان جزئیات طرح دارد. به‌علاوه هنرهایی نظیر خوشنویسی در هنر شیعی –به‌مثابه هنر اسلامی– دارای کارکرد و جایگاه بالاتری هستند.

۵. مشروعیت سازی : اما هنر شیعی زمینهٔ مشروعیت سازی برای تیموریان را نیز فراهم نمود ؛ زیرا همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد تولیدات هنری در ارتباط نزدیک با رویدادهای سیاسی، فرهنگی ، اجتماعی، مذهبی و ایدئولوژی‌های حاکم بر یک جامعه هستند . به همین دلیل در دولت تیموری مقدّمات توسعهٔ فراگیر هنر شیعی فراهم گردید.مذهب تشیّع در کالبد فرهنگ ایرانی فرصت رشد و بالندگی یافته و ایرانیان به دلایل متعدّد مذهبی، فلسفی و سیاسی از همان ابتدای شکل‌گیری، خود را موافق آرمان‌ها، باورها، عقاید و احکام آن دیدند. ازاین‌پس و در طی ادوار تاریخی مختلف ایران، مذهب

Archive of SID

www.SID.ir

تشیّع سیر تحوّل و تداوم خود را به شیوه‌ها و قالب‌های متنوّع طی نمود. در عصر تیموری هنر ابزار مناسبی به‌منظور تقویت سایر مؤلفه‌های هویت ایرانی نظیر تشیّع و مهم‌تر از آن وحدت این مؤلفه‌ها در قالب آثار هنری بود.

پیوند خوشنویسی و تشیّع در عصر تیموریان

با رشد تشیّع به دلایل ذکرشده و در دورهٔ حاکمیت تیموریان بر ایران، این مذهب ارتباط نزدیکی با سایر شاخه‌های هنر ایرانی ازجمله خوشنویسی پیدا کرد. از طرف دیگر خوشنویسی این دوره نیز در کنار ارتباط نزدیک با سایر ابعاد فرهنگ ایرانی واجد خصلت‌های شیعی گردید. خصلت‌هایی که می‌توان آن‌ها را در قالب خوشنویسان ، ارزش‌ها و آموزه‌های شیعی موجود در تعلیم خوشنویسی، کتیبه‌ها، کتابت نسخ، احادیث، اذکار و اسامی، آیات و ادعیه پیگیری نمود.

آیات و احادیث

احادیث موجود این دوره در قالب کتیبه‌ها، نسخ خطی، رساله‌های هنری، مرقّعات، دیوان اشعار و تک‌نگاری‌ها خوشنویسی شده‌اند. نسخهٔ شریف «صد کلمه» امام علی(ع) شامل مجموعه احادیث و اندرزهایی است که بارها در این دوره و با سبک‌های متنوّع کتابت شد . زین‌العابدین محمد الکاتب یک نسخه از آن را با خط نسخ و ثلث همراه با ترجمهٔ منظوم در قرن ۹ق نوشت. از این کاتب نسخه‌ای حاوی ۲۶ حدیث از پیامبر همراه با ترجمه‌ای به‌صورت چلیپای منظوم موجود است. (ریشار، ۱۳۹۳: ۱۱۰) در همین رابطه مجموعهٔ چهل کلمهٔ امام علی توسط عبدالرحمن جامی (۸۹۸ق) به نظم درآمد و بارها در اواخر عصر تیموری کتابت شد . (شیمل، ۱۳۶۸: ۹۵) از احادیث مشهور شیعی که در این دوره و در قالب‌های مختلف به کار رفت ، حدیث « اَنَا مَدینَهُ العِلمِ وَ عَلیٌ بابُهَا» است. بیشترین نمود این حدیث در ورودی ایوان‌ها و ابنیه و درب امام زادگان به لحاظ وجود مفهوم باب و ناشی از ذوق و سلیقهٔ معمار و خوشنویس بود. ازجمله در سردر شبستان بیت الشّتاء مسجد جامع عتیق اصفهان متعلّق به دورهٔ سلطان محمد بن بایسنقر (م ۸۵۸ق) این حدیث به تاریخ ۸۵۱ق و به خط سید محمود نقّاش از سادات خوشنویس این شهر نوشته‌شده است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۲۲) وجود این حدیث در تابلوی کاشی معرق که دورتادورش را اسامی ۱۲ امام و اهل‌بیت(ع) تشکیل می‌دهد و هم‌اکنون در مجموعهٔ دیوید در کپنهاک نگهداری می‌شود ، نشان‌دهندهٔ کاربرد و مقبولیت آن در بین شیعیان اثنی عشری این دوره

Archive of SID

www.SID.ir

است. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۲۷) کاربرد این حدیث صرفاً به‌صورت رسمی نبود. به‌طوری‌که سلطانعلی مشهدی (۹۲۶ق) آن را به‌صورت شعر سرود.

هر که داند درِ مدینهٔ علم نقد وقتش شود خزینهٔ علم

(قمی، بی‌تا : ۶۵)

از دیگر احادیث مهم شیعی که در بحث جانشینی حضرت علی بعد از پیامبر به کار می‌رود، حدیث معروف منزلت است. در این حدیث پیامبر جایگاه امام علی(ع)نسبت به خود را مانند مقام هارون نسبت به موسی می‌داند. نمونهٔ این حدیث به خط نسخ در تابلو کاشی معرق مذکور مربوط به قرن ۹ق نوشته‌شده است. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۲۷) از آیات دارای صبغه شیعی ، آیه تطهیر است که به قلم خوشنویسان یزدی بر روی مزار امامزاده محمد از نوادگان امام صادق (ع) در اواخر قرن ۸ق به کار رفت. (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۵۰) دسته‌ای از احادیث شیعی هم بودند که در طول تاریخ خوشنویسی به آن‌ها استناد می‌شد به‌نوعی تعیین‌کنندهٔ ماهیت و جایگاه این هنر در مذهب تشیّع بودند. این احادیث که صرفاً توسط شیعیان هم استفاده نمی‌شدند، در هنر خوشنویسی تیموری کاربرد و بهای بیشتری یافتند و استناد به آن‌ها افزایش یافت. از این نمونه حدیث امام علی(ع) در باب اهمیت حسن خط برای اقشار منعم و محتاج است.(ابن عبدربه، ج۴، ۱۳۶۷: ۱۲۸) میرعلی هروی از استادان شیعه‌مذهب این دوره آن را به نظم درآورده است.

اگر منعم شدی آرایش توست وگر محتاج گشتی دستگیر است

(هروی، ۱۳۷۲: ۸۸؛ شیرازی، ۱۳۷۶: ۵۶)

مجموعه‌های حدیثی از ائمه شیعه به‌صورت کتاب و در موضوعات هنر، ادبیات، علوم، طب، فقه و کلام نیز در این دوره توسط هنرمندان خطاط نسخه‌برداری و تزئین گردید. کتاب « خواص الفواکه یا طب الائمه (ع)» شامل مجموعه احادیث پیامبر و اهل‌بیت (ع) در موضوع سلامتی جسم ، تغذیه و خواص گیاهان و میوه‌ها در ۸۸۹ق و به خط نسخ کتابت گردید. (درایتی، ج۴، ۱۳۸۹: ۱۰۴۶)

اسامی، القاب و اذکار

وجود نام‌ها و لقب‌ها در یک شیء یا اثر هنری گویای مطالب مهمی از قبیل مالکیت، (مالک اثر)، نیت(انگیزهٔ صاحب اثر) و ماهیت آن(هدف از ایجاد) است. معمولاً گمنامی هنرمندان مسلمان و ایرانی از ویژگی‌های آن‌ها بود ؛ امّا به‌تدریج و از قرون ۸ق به بعد این سنّت فراموش‌شده و نام و امضای (طغرا)

Archive of SID

www.SID.ir

هنرمند در انتهای اثر قید می‌شد. اما به‌غیراز این نام‌هایی هم بودند که دارای بار مذهبی، دینی، تاریخی و یا سیاسی بودند. مثل نام علی و القاب مجتبی، سیدالشهدا، آل طه، آل یس و صاحب ذوالفقار که نزد شیعیان (دوازده‌امامی) از احترام و تقدّس برخوردار بودند و وجود آن‌ها در یک اثر هنری ماهیت و جهت‌گیری شیعی اثر را روشن می‌نمود.«حوض کوثر» یکی از این اسامی خاص شیعی است که در اشعار، کتیبه‌ها و نام‌گذاری عناصر معماری نظیر حوض موجود در باغ سلطان حسین بایقرا در هرات از آن استفاده می‌شد. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۲) امّا منظور از ذکر، جمله یا عبارتی است که دارای بار معنوی بوده و در نزد ادیان و مذاهب گوناگون متفاوت است. برخی اذکار حتّی گویای برائت یک مذهب و یا یک دین از مسلک دیگر است. به‌طور مثال «اَشهَدُ اَنّ عَلیاً ولی‌الله» ذکر مخصوص شیعیان است که در اعمال و آداب مذهبی آن‌ها نظیر اذان به کار می‌رود. وجود اذکاری شبیه به این‌که در برخی ادوار تاریخی ازجمله دورهٔ تیموریان بر روی مناره‌ها، گنبدها، صنایع‌دستی و آثار خوشنویسی به‌کاررفته‌اند، ازیک‌طرف سندی بر میزان فعالیت گروه‌های شیعی در زمان‌هایی است که اطلاعات تاریخی در مورد آن‌ها کم و یا نیست. از سوی دیگر حاوی نکات تاریخی در سیر تحوّل هنر شیعی در ایران است.

از نام‌هایی که به‌وفور چه به‌صورت ترکیبی در کنار اسامی الله و محمد و یا به‌تنهایی در آثار هنری این دوره به‌کاررفته ، نام علی است. لازم به ذکر می‌باشد که این وفور برای نخستین بار در سیر تاریخ هنر ایران اتفاق می‌افتد. در این رابطه نکته قابل‌توجهی وجود دارد که آن نگارش این نام به خط کوفی است. (افشار، ج۲، ۱۳۴۸: ۱۴۷) حتّی در آثاری که آیات و نام‌های مختلف با سایر خطوط نوشته‌شده‌اند ، نام علی به خط کوفی و متمایز از بقیه است. شهرت ابداع و تکامل این خط توسط امام علی(ع)می‌تواند یکی از دلایل احتمالی این موضوع باشد. در این رابطه در ایوان مسجد جامع یزد (۸۳۶ق) در حاشیه اسامی ۱۲ امام که با خط نسخ نوشته‌شده‌اند، نام علی با خط کوفی تکرار شده است. (جعفریان، ج۲، ۱۳۷۵: ۷۴۳) نقاشی خط یا هنر شکیل سازی و مصورسازی حروف و کلمات، از دیگر روش‌هایی بود که خوشنویسان این دوره نظیر مجنون رفیقی هروی ، اسامی را با آن کتابت می‌کردند. (قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۱۷۸) هرچند به اعتقاد برخی شیوع این روش در عصر صفوی و قاجار شکل گرفت. به عقیدهٔ شیمل بازنمایی تصویری نام علی به سنّت حروفیه تعلّق دارد که بعدها در سلسلهٔ بکتاشیِ در ترکیه و عثمانی ادامه یافت. وی در این راستا از نسخه خطی مربوط به قرن ۱۵م که در آن نام علی به شیوهٔ خط کوفی شطرنجی نوشته‌شده ، یاد می‌کند. (شامل، ۱۳۶۸: ۲۰۸) در آثار خوشنویسی این دوره القاب متنوّعی هم به امام علی(ع) نسبت داده‌شده است. ازجمله «اسدالله الغالب» و «امیرالمؤمنین» در کتیبهٔ امامزاده عبدالله بن الواحد شهید(میرشهید) در خمچه آباد هرات و با خط ثلث است. لقب دوم در این اثر

Archive of SID

www.SID.ir

مربوط به امام حسن (ع) می‌شود. (واعظ هروی، بی‌تا: ۹۶ تعلیقات) در اشعار خوشنویسی شده بر روی برخی کتیبه‌های این دوره هم با ذکر القابی چون «کاشف الغطاء، سلطان کربلا، الشهید المجتبی» به توصیف اهل‌بیت خاص پیامبر پرداخته‌شده است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۸۰۳) توجّه به این نکته ضروری است که القاب از ماهیت مذهبی و اعتقادی بیشتری نسبت به اسامی برخوردارند ؛ چراکه لقب صفتی است که هنرمند یا خوشنویس آن را به انتخاب خود و با انگیزه و ایمان قلبی‌اش برای تعریف و توصیف موصوف خود به کار می‌برد. به همین علت القاب ماهیت اثر هنری را بهتر و ملموس‌تر نشان می‌دهند. در این زمینه «سرو ارم، ولی والی، امام برحق، آیت حق و کلام مطلق» القابی هستند که مجنون رفیقی هروی از استادان شیعه‌مذهب خوشنویسی در این زمان به امام علی(ع) نسبت می‌دهد. (قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۱۷۹) در پایان آثار اغلب خوشنویسان عصر تیموری ضمن دعا و ثنای پیامبر(ص) اهل‌بیت خاص او هم تحت عناوین «آله طاهرین، اهل الکساء، آل طه، آل یس، مطهر ین و طیّبین» توصیف‌شده‌اند. در این باب ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ در پایان مصحف بزرگ خود با خط ثلث اهل‌بیت پیامبر را با لقب «آله الطیبین الطاهرین» ستوده است . (حافظ ابرو، ج۲، ۱۳۷۲: ۹۶۰) نکتهٔ تاریخی این اثر و آثار مشابه وجود حب اهل‌بیت(ع) در میان اهل تسنّن است. در آثار معماری تیموریان در دو شهر اصفهان و یزد اسامی و القاب متعدّد اهل‌بیت(ع) در قالب شعر و نثر وجود دارد. ازجمله شعری با مضمون توکّل به آل الکساء در همهٔ امور به خط ثلث شرف‌الدین سلطانی در مدرسهٔ نصرآباد اصفهان (۸۵۵ق) است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۸۲۱) «حوض کوثر» که در فرهنگ شیعی جایگاه پیوند قرآن و اهل‌بیت(میراث پیامبر) معرفی‌شده ، ازجمله اسامی خاص شیعی است. مجنون هروی ضمن برشمردن خصوصیات خوشنویسی امام علی(ع) به جایگاه او و خاندانش در آن اشاره می‌کند . (قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۳۵) امّا بارگاه امام رضا(ع) در این دوره میدان وسیع قلم‌فرسایی و هنرنمایی خوشنویسان و معماران شیعی‌مذهب بود که امامان و اهل‌بیت را به اوصاف متعدّدی همچون «خاندان بهترین پیامبران» وصف می‌کردند. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۲۲) اوصافی که میرعلی هروی با خط نستعلیق و در قالب کتیبه‌های منظوم آن‌ها را هنرمندانه عرضه می‌کند.

سلام علی آل طه و یس سلام علی آل خیر النبیین

(قمی، بی‌تا: ۷۹)

اسامی دوازده امام و چهارده معصوم از موارد بدیعی است که در حوزهٔ نام‌ها و القاب موجود در آثار هنر تیموریان قرار می‌گیرد ؛ زیرا در ادوار قبل از آن معدود آثاری هنری با این ویژگی تولیدشده‌اند . این موضوع بیانگر نکاتی نظیر رشد جریان تشیّع اثنی عشری است که به دلیل قرابت با فرهنگ ایرانی از

Archive of SID

www.SID.ir

نشانه‌های تقویت هویت ایرانی به شمار می‌رود. در منار دانیال فارس اسامی امامان شیعه به همراه نام پیامبر و سه خلیفه اول به خط معقلی آمده است که به اعتقاد برخی دلیلی بر وجود تسنّن دوازده‌امامی در این زمان دارد. (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۳۴) از خوشنویسانی که به‌طور ویژه در رسایل منظوم خود به ذکر و منقبت دوازده امام پرداخته‌اند، مجنون رفیقی هروی است.

گویای دوازده مقامم مولای دوازده امامم

(قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۱۷۸)

ازجمله شهرهای مذهبی این دوره که تشیّع در آن گسترش قابل‌توجهی یافت ، شهر یزد است. یکی از دلایل آن وجود آثاری چون مسجد جامع یزد، محراب مسجد جامع روستای قلعه بشنیغان، کتیبه قبر حاج قطب‌الدین اردکانی(۸۹۷ق) و جمال‌الدین محمود (۸۷۸ق) همراه با نام دوازده امام با خطوط نسخ و نستعلیق است. (جعفریان، ج۲، ۱۳۷۵: ۷۴۲؛ افشار، ج۱، ۱۳۴۸: ۷۷، ۸۴، ۱۴۴) این اسامی گاه به‌صورت نسب نامه امامزادگان ، سادات و سایر افراد به کار می‌رفتند. شاهزاده فاضل یزد از نوادگان امام موسی کاظم(ع) است . نسب نامه وی که مربوط به قرن ۹ق است، بر روی کاشی معرق حک‌شده و اسامی امامان شیعه را در بردارد. (جعفریان، ج۲، ۱۳۷۵: ۷۴۵) در هرات و در امامزاده میر شهید نسب نامه‌ای به خط ثلث وجود دارد که به امام حسن مجتبی(ع) می‌رسد. (واعظ هروی، بی‌تا: ۹۶ تعلیقات) دراین‌باره در مزار خواجه عبدی در سمرقند نسب نامه‌ای نوشته‌شده که به پیامبر می‌رسد. (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۷۴) نام چهارده معصوم نیز هرچند در معدود آثار هنری دورهٔ تیموری وجود دارد، سند دیگری در باب ارتباط خوشنویسی و تشیّع است. از آثار نادر موجود در این زمینه مقبرهٔ خواجه علی صفی(۷۹۲ق) است. (جعفریان، ج۲، ۱۳۷۵: ۷۳۵)

در ادیان مختلف و ازجمله دین اسلام اذکار مختلفی وجود دارند که از ارزش و اهمیت یکسانی برخوردار نبوده و بسته به نوع کاربرد، مضمون و نزدیکی به مبانی دین دسته‌بندی می‌شوند . شهادت به یگانگی خدا و نبوت پیامبر در رأس اذکار اسلامی است. به همین نسبت گواهی به پذیرش ولایت امامان به‌ویژه امام اوّل در فرهنگ شیعی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر اذکار برخوردار است ؛ چراکه از این دو مورد یکی مرز بین مسلمانی و کفر و دیگری مرز بین شیعه و غیر شیعه را معیّن می‌کند . بنابراین وجود این اذکار در آثار هنری نیز بیانگر ماهیت مذهبی آن‌هاست.

خواجه جمال الدّین میرعلی (میرعلی شهید، ۸۵۹) از وزرای قرن ۹ق و در بقعهٔ دارالبطیخ اصفهان مدفون است. وجود عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول‌الله، علی ولی‌الله» به خط بنائی بر روی قبر وی ، ، گویای چند نکته است. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۷۹۱) اولاً نشان‌دهندهٔ رشد تشیّع در میان دولتمردان

Archive of SID

www.SID.ir

این دوره و بالطبع تسرّی آن در جامعه و در مقیاس وسیع‌تر است. ثانیاً محدودهٔ جغرافیایی اثر وجود این اندیشه در نواحی ایران مرکزی و اصفهان قرن ۹ق را منعکس می‌سازد. مؤیّد این مطلب وجود عبارت فوق در ابنیه، آثار و قبور شهر یزد نظیر سنگ‌های قبر موجود در بقعهٔ شاه محمود (در بندر آباد) و محلهٔ فهرج به سال ۸۹۳ق، در بقعهٔ شاه خلیل ثانی(در شهر تفت) با خط نسخ و در محراب مسجد شاه ولی با فن حجاری است. (افشار، ج۱، ۱۳۴۸: ۴۱۷؛ جعفریان، ج۲، ۱۳۷۵: ۷۴۳) سبک کاربرد برخی اذکار و اسامی در آثار خوشنویسی وابستگی آن‌ها را به جریان‌های مذهبی و اجتماعی موجود در جامعهٔ تیموری نشان می‌دهد. برای نمونه تکرار نام علی(ع) از ذکرهای رایج در فرقه‌های صوفی – شیعی بود که اغلب در مراسم سماع صوفیانه استفاده می‌شد. هرچند کاربرد این ذکر توسط هنرمندان در مواردی صرفاً جنبهٔ زیبایی داشت. در این رابطه در ایوان مسجد جامع یزد نام علی با خط کوفی به‌صورت تکراری آمده است. یا اسامی محمد(۴بار)، علی(۳بار)، موسی جعفر و حسین(۳بار) که در خانقاه شاه خلیل ثانی به‌کاررفته‌اند. ذکر درود و صلوات بر پیامبر و اهل‌بیتش از معدود اذکار رایج در بین شیعیان امامی است. در هنر خوشنویسی تیموری این ذکر حتّی توسط خوشنویسان از اقشار فرادست جامعه نظیر ابراهیم سلطان (۸۳۸ق) هم به کار می‌رفت . وی یک جزء قرآنی را که با خط ثلث و به منظور اهداء به آستان امام رضا(ع) نوشته، با صلوات بر پیامبر و خاندانش پایان می‌دهد . (حافظ ابرو، ج۲، ۱۳۷۲: ۹۶۰)«صلوات کبیر» نیز ذکری معروف به صلوات بر چهارده معصوم است که در معدود آثار این دوره نظیر کتیبهٔ مسجدی در تون به تاریخ ۸۵۵ق دیده می‌شود. (جعفریان، ج۲، ۱۳۷۵: ۷۳۶)

اشعار

یکی دیگر از مسیرهایی که در آن هنر خوشنویسی با مذهب تشیّع همراه شد، ادبیات منظوم مذهبی است. این همراهی به‌صورت رساله‌های خوشنویسی ،در قالب کتیبه‌ها و نسخه‌نویسی صورت پذیرفت. به همین ترتیب این اشعار دارای دودسته مضامین آموزشی و تعلیمی و دیگری مدح ائمه بودند. نکتهٔ دیگر این‌که وقتی این اشعار با خط نستعلیق کتابت می‌شدند، وجاهت ایرانی بیشتری یافته و کارکرد هویت‌سازی آن‌ها افزایش می‌یافت. مجنون رفیقی هروی از شاعران مذهبی و نستعلیق نویس معروف، اشعارش را با رویکرد مدح امامان شیعه می‌سرود.

مهدی شه آخرالزمان است سرمایهٔ عمر جاودان است

(قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۱۷۹)

Archive of SID

www.SID.ir

یکی از مشهورترین اشعار در تاریخ هنر خوشنویسی، شعر سلطانعلی مشهدی است که عصر تیموری و خوشنویسی این دوره را نیز از ادوار دیگر متمایز می‌سازد. این شعر را می‌توان از اولین اشعاری قلمداد نمود که پیوند این هنر و تشیّع را به‌وضوح و در مراتب مختلف از ابداع خطوط، ویژگی‌های اخلاقی خوشنویس، ابزار ، امکانات و شرایط و آموزش‌های فنی منعکس می‌سازد. ازجمله در باب خط امام علی(ع) آن را از بهترین الگوهای خوشنویسی می‌داند.

آن‌چنان خط کجاست حد بشر　　قلمی دیگر است و دست دگر

(قمی، بی‌تا: ۶۵؛ هروی، ۱۳۷۲:۷۴)

نشر تشیّع سبب شد تا سایر خوشنویسان نظیر خواجه شهاب الدّین مروارید شاگرد سلطانعلی هم ضمن سرودن اشعاری ارادت خود را به ائمه شیعه ثابت نمایند. (سام میرزا، ۱۳۸۴: ۱۰۶) اگرچه اغلب اشعار شیعی عصر تیموری قالب اغراق‌آمیز داشتند، اما نمونهٔ شاخص این موضوع کتاب خاوران نامهٔ ابن حسام خوسفی است. این کتاب توسط خوشنویس گمنامی به خط نستعلیق عالی در قرن ۹ق کتابت شد و توسط سایر هنرمندان و صحافان و نقاشان تزئین گردید . (خوسفی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۴۸) اشعار مذهبی عربی که معمولاً به خط ثلث و بر روی کتیبه‌ها به کار می‌رفتند ، نیز بخشی از فعالیت خوشنویسان این دوره را تشکیل می‌دادند. در این رابطه در مدرسهٔ نصرآباد اصفهان اشعاری با موضوع توکّل بر اهل‌بیت به زبان عربی ، با خط ثلث شرف‌الدین سلطانی خوشنویس اصفهانی و مربوط به دورهٔ شاهرخ موجود است.

محمد المبعوث و ابنیه بعده　　و فاطمه الزهرا و المرتضی علی

(رفیعی، ۱۳۵۲: ۸۰۳؛ هنرفر، ۱۳۵۵: ۱۸)

از وجوه مهم پیوند خوشنویسی و تشیّع در عصر تیموری اشعار در مدح امام رضا(ع) است که در دو قالب کتیبه‌نویسی و کتابت تقسیم‌بندی می‌شوند. بارگاه امام هشتم محل سکونت، آموزش و هنرنمایی اغلب خوشنویسان این دوره بود. اشعار و کتیبه‌های میرعلی هروی(۹۳۵ق) خوشنویس مشهور در جای‌جای این مکان ازجمله در دارالسیاده و محاذی بالینگاه امام، گواهی بر مدعای مذکور است.

علی بن موسی‌الرضا کز خدایش　　رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

(قمی، بی‌تا: ۸۰؛ شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۲۲)

به‌غیراز کتیبه‌نویسی، خوشنویسان متعدّدی بودند که حتّی در حد سرودن یک بیت شعر سعی در بیان ارادت خود به آن امام را داشتند. مولانا محمد ابریشمی و خواجه فخرالدین اوحد مستوفی از آن جمله‌اند.(سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۴۶) دراین‌باره آستانه حضرت معصومه(س) هم‌محل هنرنمایی و اظهار

Archive of SID

www.SID.ir

ارادت خوشنویسانی چون ملا ابراهیم استرآبادی گردید. (افندی، ۱۳۶۹: ۱۱۹) آثار ادبی هم وجود داشتند که در آن‌ها مضامین فنی خوشنویسی با اوصاف شخصیت‌های شیعی در قالب شعر فارسی به هم گره می‌خوردند. مجنون رفیقی هروی در ذیل وصف امام علی(ع)، اشعارش را به این خصلت آراسته است.(هروی، ۱۳۷۲: ۱۶۳)

تألیفات

منظور از تألیفات، کتب، نُسَخ و رسایلی است که در موضوع فقه و کلام، مناجات‌نامه، ادعیه، دیوان اشعار، رسایل هنری و دیگر عناوین بر مبنای تفکرات شیعی و با ابزار هنر خوشنویسی نسخه‌برداری‌شده‌اند. رساله‌های خوشنویسی حاوی اصطلاحات فنی این هنر و مناقب امامان مهم‌ترین حلقهٔ ارتباطی این دو هستند. در مقایسه با رساله‌های قرون ۶ق به بعد، رساله‌های عصر تیموری ازنظر تعداد افزایش قابل‌توجهی یافتند و بیشتر توسط هنرمندان شیعی‌مذهب نوشته شدند. به‌طوری‌که نقطه نظرات موجود در آن‌ها در باب آموزش و ویژگی‌های روحی هنرمند اغلب منشعب از فرهنگ شیعی است. سند متقن در این خصوص ، رسالهٔ منظوم صراط السطور است که سلطانعلی مشهدی در آن اصول و فروع علم خط را منتسب به حضرت علی(ع) می‌کند.

سند علم خط به حسن عمل پس بود علی ز اوّل

(قمی، بی تا: ۶۵-۷۶)

مجنون هروی در دو رسالهٔ «آداب الخط» و «رسم الخط» در فصلی مستقل به مدح ۱۲ امام می‌پردازد. موضوعی که از تفاوت‌های این دو رساله با آثار شبیه به خود است . (قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۱۷۸) لازم به ذکر است فرمت کلی اغلب این رساله‌ها شامل نعت پروردگار، پیامبر، امامان شیعه و آموزش خوشنویسی می‌شود. در نیمهٔ دوم و اواخر قرن ۹ق وجاهت شیعی رساله‌های تألیف شده بیشتر و خوشنویسانی صاحب تألیف نظیر سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی ظهور کردند. کتاب‌هایی هم در موضوع خوشنویسی تألیف شدند که در راستای اثبات فرضیهٔ تحقیق حاضر مهم و قابل‌ذکرند. «تحفه المحبّین» نوشتهٔ یعقوب بن حسن شیرازی از سادات حسنی در سال ۸۵۸ق است که آن را در بیدر هندوستان و به نام امیرزاده حبیب الدین محب الله از نوادگان نورالدین نعمه الله کرمانی نوشت. بخشی از مستندات خود را به عبارات و احادیث حضرت علی(ع) رسانده و امیدوار به بهره‌مندی از عنایات ائمه اثنی عشر است. (شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۰) خارج از حوزهٔ هنر، تألیفات دیگری در موضوع تاریخ، فقه،

Archive of SID

www.SID.ir

کلام و ادعیهٔ شیعی نیز توسط خوشنویسان نسخه‌برداری و کتابت شدند. در این خصوص آثار علّامهٔ حلی حلی در حوزهٔ فقه و کلام شایان‌ذکر است. کتاب « قواعدالاحکام» وی بالغ بر هفتاد بار در قرن ۹ق کتابت شد . (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳۰) در موضوع امامت اثر دیگر او با نام «منهاج الکرامه فی اثبات الامامه» در ۸۷۸ق به همراه کتب دیگر در این رابطه از جمله «تاریخ محمدی» (تاریخ ۱۲ امام) در سال سال ۸۱۹ق نسخه‌برداری گردید. (جعفریان، ۱۳۷۵: ۶۶۶، ۶۷۵) کتاب‌هایی با رویکرد عرفان شیعی نظیر «التحیه اثنی عشریه» از محیی الدین عربی(۶۳۸ق)، با خط نستعلیق و « اللفین » و «ارشاد الاذهان» از از علّامهٔ حلی هم در ساری کتابت گردید. (درایتی، ج۴، ۱۳۸۹: ۱۲۶۳) در موضوع ادعیه،کتاب مناجات‌نامه منسوب به حضرت علی(ع) به خط نستعلیق عالی توسط میرعلی هروی نوشته شد که در ارگ کابل نگهداری می‌شود. (حبیبی، ۱۳۵۵: ۳۵۲) یکی از آثار شاخص خوشنویسی این دوره در باب زبان و ادب فارسی، دیوان اشعار ابن حسام خوسفی با نام «خاوران نامه» است که نویسنده به‌گونه‌ای متمایز در آن به شخصیت‌پردازی حضرت علی(ع) می‌پردازد ؛ به‌طوری‌که در قالب داستان تخیلی-افسانه‌ای ، زندگی آن حضرت را با تاریخ اسطوره‌ای و باستانی ایران مرتّب می‌سازد. این ویژگی به‌اضافهٔ خط نستعلیق پختهٔ آن و نقاشی‌های فرهاد شیرازی، خاوران نامه را به «اثر ترکیبی» در موضوع هویت ایرانی تبدیل نموده است . (خوسفی،۱۳۸۱: ۴۸)

ادعیه

در فهرست نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های مختلف، کتبی با مضامین دعا و منسوب به امامان وجود دارد که در قرن ۹ق و با خطوط نستعلیق ، نسخ و ثلث کتابت گردیده است. از مهم‌ترین آن‌ها دعای «خواص ناد علی» است که دارای مضامین عرفانی و در میان شیعیان معروف بود. ازاین‌دست ادعیه می‌توان به «دعاء السیفی= الحرز الیمانی» به خط نسخ و ثلث، «دعاء الصباح» و «دعاء صنمی قریش» به خط نسخ که همگی منسوب به حضرت علی(ع) و در این دوره نوشته شدند، اشاره کرد. از ادعیهٔ منسوب به امام سجاد(ع) «حرز کامل لعلی بن حسین بن علی» به خط نسخ جلی است. دعاهایی از امام صادق(ع) هم توسط خطاطان تیموری کتابت گردید. در این خصوص باید از تألیفات دانشمندان و شاعران ایرانی مانند دعای «الصلوات اثنی عشریه» از خواجه نصیر الدّین طوسی (۶۷۲ق) و شعر ترکی جامی در وصف دوازده امام یاد کرد که به خط نسخ خوشنویسی شده‌اند. (درایتی، ج۴، ۱۳۸۹: ۶۱۰-۶۱۱) مهم‌تر از این موارد دعایی به خط ثلث و با مضامین شیعی بر روی سنگ‌قبر تیمور است که به

Archive of SID

www.SID.ir

دستور اُلُغ بیک نوشته شد . (شایسته فر،۱۳۸۴: ۳۹) بی‌شک این دعا، سند ارزشمندی در باب گسترش تشیع در حوزه‌های مختلف حکومت تیموریان است.

فرهنگ شیعی در آموزش خوشنویسی

یکی از آموزش‌های رایج و مهمی که کودکان و سایر اقشار جامعهٔ تیموری بعضاً ملزم به فراگیری آن بودند، فراگرفتن فن خوشنویسی بود. این مهم با افزایش کارکرد خوشنویسان و ابداع خطوط جدید مثل نستعلیق ارتباط مستقیم داشت. از طرفی هم رشد جریان‌های اجتماعی- فرهنگی نظیر تشیّع به‌انحاءمختلف در نظام آموزشی تأثیرگذار بودند. هنر خوشنویسی و نظام آموزشی آن نیز از این تأثیر بی‌نصیب نماندند. استادان خوشنویسی این دوره هم در دو بخش نظری و عملی که هرکدام به دو قسمت فنی و اخلاقی تقسیم می‌شدند ، آموزه‌های شیعی را به هنر جویان منتقل می‌نمودند. در قسمت فنی ، آن‌ها معتقد بودند که ریشهٔ ابداع خط (خط کوفی) و طریقهٔ نگارش برخی حروف به حضرت علی(ع) برمی‌گردد. یعقوب بن حسن شیرازی در تحفه المحبّین در خصوص گرفتن اصل خط از نقطه، نمونهٔ اعلای خط کوفی، ویژگی‌های قلم خوب و زمان کتابت به احادیث آن حضرت استناد می‌کند. (شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۱۹، ۱۴۷) همان موارد را میرعلی هروی در مداد الخطوط و سلطانعلی مشهدی در صراط السطور به‌صورت منظوم اشاره می‌کند.

مرتضی اصل خط کوفی را کرد پیدا و داد نشو و نما

(بیانی، ج۱و۲، ۱۳۶۳: ۲۴۲)

سیمی نیشابوری در رسالهٔ جوهریه با تکیه بر سخن امام سجاد(ع) خوشنویسان را از کتابت شش حرف بازمی‌دارد. (هروی، ۱۳۷۲: ۱۶۳، ۷۳) سوای درستی یا نادرستی احادیث، وجود کلام ائمه شیعه در فضای آموزشی هنر این زمان موضوع قابل تأمّل است. رواج تعبیر «علم خط» در میان هنرمندان تیموری نشان می‌دهد که خوشنویسی را واجد ویژگی‌های علمی می‌دانستند. علمی که به‌زعم آن‌ها بنیان‌گذارش امام اوّل شیعیان بود.(حبیبی، ۱۳۵۵: ۲۳۸) تعبیر علم، بیانگر وجود نظام آموزشی فراگیر در این زمینه است. وقتی ماهیت این علم شیعی باشد، قطعاً نظام تعلیم و تربیت آن را هم تحت تأثیر قرار خواهد داد. امّا خوشنویس ضمن فراگیری اصول فنی و به‌منظور رسیدن به خط مطلوب می‌بایست آداب این هنر را هم فرامی‌گرفت ؛ آدابی که لازمهٔ آن کسب فضائل اخلاقی و معنوی بود . استادان خوشنویسی ضمن اجرای عملی آداب معنوی در زندگی فردی، در بحث آموزش به شاگردان نیز

Archive of SID

www.SID.ir

نیم‌نگاهی به سنّت و سیرهٔ عملی پیامبر و ائمه شیعه داشتند . سلطانعلی مشهدی تمامی زمینه‌های لازم برای دسترسی به خط مطلوب نظیر پاکی درون، عالم و عارف بودن، انزوا و گوشه‌نشینی را در شخصیت امام علی(ع) می‌بیند. (هروی، ۱۳۷۲:۷۳؛ حبیبی، ۱۳۵۵: ۲۳۸)

خوشنویسان

هنر با هنرمند همزاد و همراه است. سخن گفتن از یکی بدون دیگری متن را ناتمام و بیان را ناقص می‌نماید. هنر زائیدهٔ دست و ذوق و همت و مهم‌تر از همه اندیشه و باور هنرمند است. به همین دلیل هنر شیعی عصر تیموری نیز حکایت از جهت‌گیری مذهبی هنرمندان آن دارد . حکایتی که به قلم خوشنویسان، تصاویر نقاشان و آثار معماران روایت می‌شد. در طول تاریخ هنر ایران از قرن ۸ و۹ق بود که جمعیت خوشنویسان شیعی‌مذهب رو به افزایش نهاد و هنر خوشنویسی ازاین‌پس با معیارهای مذهب تشیّع منطبق گردیده و ساختار مذهبی منسجم‌تری یافت. یکی از دلایل مهم رشد این جمعیت، اقبال استادان بنام تاریخ خوشنویسی به این مذهب بود. با توجه به‌نظام استاد– شاگردی بین هنرمندان، گرایش‌های مذهبی استاد بالطبع شاگرد وی را نیز متأثّر می‌ساخت ؛ زیرا در این نظام به‌مثابه نظام مریدی و مرادی در تصوّف یک استاد علاوه بر آموزش، در آداب و رفتار و باورها هم الگو و رهبر شاگردش بود. بررسی زندگی خوشنویسان این دوره می‌تواند اطلاعاتی هرچند مختصر در باب نوع باور، جایگاه آن در هنر و نزد هنرمند و نقش آن در زندگی اجتماعی و هنری وی را نشان دهد. میرعلی تبریزی (قدوه الکتاب) که به‌عنوان واضع خط نستعلیق هم شناخته می‌شود ، به عقیدهٔ محققین و خوشنویسان هم‌عصرش، شیعی‌مذهب بوده و با دیدن حضرت علی(ع) در رؤیا چگونگی ابداع خط نستعلیق را فرامی‌گیرد. (شیمل، ۱۳۶۸: ۵۹)

نسبتش بوده با علی ازلی نسبش نیز می‌رسد به علی

(قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۱۹)

همچنان که سلطانعلی مشهدی سرمایهٔ هنری خود را مدیون ارادتش به آن امام می‌داند و شبیه به میرعلی داستان آموختن اسرار خط در خواب را بیان می‌کند.

بنده سلطانعلی غلام علیست شهرت خط او ز نام علیست

(بیانی، ج۱ و۲، ۱۳۶۳: ۲۴۳؛ حبیبی، ۱۳۵۵: ۲۳۸)

Archive of SID

www.SID.ir

از آداب روزانهٔ وی زیارت امام رضا(ع) بود. بعد از مرگش هم در نزدیکی پنجرهٔ فولاد به خاک سپرده شد. شاگردان او نیز در این زمینه به استاد خود تأسی جستند . به‌طوری‌که مولانا محمد ابریشمی در باب اعتقادات و محل دفن وی اشعاری سرود. (قمی، بی‌تا: ۶۲) میرعلی هروی از دیگر شاگردان وی در زمرهٔ سادات حسینی بود. وی در قالب آثار، القاب، اشعار و رسالاتش به شیعه بودن خود و تأثیر آن در کارش اشاره می‌کند. اشعار او در مدح اهل‌بیت در دار السیاده و بالینگاه امام هشتم موجود است. «خادم آل، میرعلی حسینی» لقبی است که وی در آثارش به خود می‌دهد . به‌این‌ترتیب رؤیای مذکور، داستان شایعی بوده که سوای صحت‌وسقمش، توسط خوشنویسان عصر تیموری پروبال یافته و نشان از وسعت باورهای شیعی در این زمان دارد. مجنون رفیقی هروی از خطاطانی است که در جایگاه مؤلّف، مدرّس و مدیر دبیرستان توانست نقش مهمی در اشاعهٔ تفکّر امامت ایفا نماید. سمت دبیری دبیرستان هرات را هم از سلطان مظفّر حسین تیموری گرفت و جایگزین پدر شد. بی‌شک در این سِمَت می‌توانست در تعیین جهت‌گیری مذهبی عالمان و هنرجویان نقش‌آفرین باشد. (هروی، ۱۳۷۲: ۵۷ – ۵۰) سایر خوشنویسان این دوره هم سعی می‌کردند هرچند با بیتی شعر یا نگارش یک کتیبه ، ارادت خود را به ائمه شیعه نشان دهند. خواجه فخرالدین اوحد مستوفی، خوشنویسی است که در مدح امام هشتم اشعاری سرود.

علّام علم دین علی بن موسی‌الرضا خضر سکندر آئین و شاه فلک جناب

(سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۴۶)

خواجه شهاب الدّین عبدالله مروارید (بیانی) خوشنویس عصر سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ق) و صاحب آثاری نظیر مونس الاحباب، تاریخ شاهی و منشآت است. وی در عصری زندگی می‌کرد که مذهب تشیّع در شرف رسمی شدن بود. به همین دلیل نظریهٔ امامت در آثار و اشعارش پررنگ است. (سام میرزا، ۱۳۸۴: ۱۰۶)

نتیجه

بعد از سقوط خلافت عباسی و به‌ویژه در عصر حاکمیت تیموریان بر ایران (۷۷۱–۹۱۱ق) مجموعه شرایطی نظیر افزایش جمعیت شیعیان، تألیف آثار آئینی مانند «روضه الشهداء»، پیوندِ جریان تصوّف و تشیّع و ایجاد جنبش‌های صوفی– شیعی چون حروفیه و نعمت اللّهیه ، رشد نفوذ و جایگاه اجتماعی سادات و تسامح مذهبی دولتمردان، زمینه‌ساز اقبال عمومی جامعهٔ ایران به مذهب تشیّع و رسمی شدن آن در عصر صفوی گردید. مجموعهٔ این عوامل سبب ارتباط نزدیک سایر مؤلفه‌های هویت ایرانی با

Archive of SID

www.SID.ir

این جریان رو به رشد و شکل‌گیری مؤلفه‌های نو مانند « هنر شیعی» گردید . خوشنویسی یکی از این شاخه‌های هنری است که در فرهنگ اسلامی، در مرتبه‌ای بالاتر از هنر دینی و به‌عنوان هنر قدسی شناخته می‌شود . در قرن ۹ق با ابداع و رواج خطوط تعلیق و نستعلیق توسط میرعلی تبریزی، سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی- از استادان خط این دوره – هنر خوشنویسی صبغهٔ ایرانی بیشتری به خود گرفت. چنانکه برای نمونه و از زاویهٔ مذهبی، آغازِ ارتباط وسیع و مستمر آن با مذهب تشیّع (شیعه امامی) را با اندکی تسامح می‌توان از این زمان (دورهٔ تیموری) دانست. از یک‌سو خوشنویسی مروّج و معرف معارف، اصول، القاب، شخصیت هاو گروه‌های شیعی به جامعه گردید. این مهم از طریق نشر احادیث، آیات، اسامی، ادعیه و اشعار خاص شیعی، به‌صورت کتیبه و کتابت و در قالب معماری و کتاب‌آرایی انجام گرفت. وجود بناها و نسخی متعدّد با کتیبه‌ها و محتوی شیعی در قرن ۹ق و در نقاط مختلف جامعه ایران جدای از اثبات این مدعا، گویای نشر مذهب مذکور قبل از روی کار آمدن صفویان است. از سوی دیگر در این زمان خوشنویسی به لحاظ ماهیت هنری خویش نیز رنگ و لعاب شیعی گرفت . رساله‌های منظوم و منثور صراط السطور از سلطانعلی مشهدی، آداب الخط و رسم‌الخط از مجنون هروی و سروده‌های میرعلی هروی و کتاب تحفه المحبّین یعقوب بن حسن شیرازی به لحاظ نوع اشعار و محتوا، شیوهٔ نگارش، نوع نگاه فنی و اخلاقی به این هنر و از منظر سرایندگان و نویسندگان نویسندگان خوشنویس و شیعه‌مذهب آن‌ها، اسناد مهمی در نمایش ماهیت شیعی هنر خوشنویسی این دوره‌اند. در این رابطه به‌ویژه باید به کتابت اشعاری در مدح امام هشتم(ع)و نگارش منظومهٔ تاریخی- شیعی خاوران نامهٔ در مدح امام علی (ع) اشاره نمود. ویژگی‌های نظام آموزشی رایج در میان خوشنویسان نیز هماهنگی نزدیکی با آموزه‌های مذهبی پیدا کرد. استادان این دوره چه در بخش نظری و چه به‌صورت عملی فرهنگ شیعی را به هنر جویان منتقل می‌کردند. به‌طوری‌که از یک‌سو برای تبیین مراحل تاریخی و فنی خوشنویسی به احادیث و آیات مذکور استناد می‌کردند و از طرفی هم با تأسی از سیره و سنن زندگی ائمه و اولیاء، خود و شاگردان را ملزم به رعایت آداب اخلاقی و دینی مثل پاکی درون، صداقت و گوشه‌نشینی می‌نمودند. این عده از نخستین هنرمندانی هستند که هنر وزندگی‌شان از آبشخور ارزش‌های مذهبی تأثیر پذیرفته و الگویی برای خوشنویسان ادوار بعدی گردیدند.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

- آژند، یعقوب، (۱۳۸۷): مکتب نگارگری هرات، فرهنگستان هنر : تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۷): مکتب نگارگری شیراز، تهران : فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۶): سلطانعلی مشهدی، تهران : امیرکبیر.
- ابن عبدربه، شهاب الدین (۱۳۶۷): العقد الفرید ؛ به کوشش احمد فرید و دیگران، ج۴، قاهره.
- الشیبی، مصطفی کامل (۱۳۵۹): تشیّع و تصوّف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران : امیر کبیر.
- افشار، ایرج (۱۳۴۸): یادگارهای یزد، ۲ج، تهران : انجمن آثار ملی.
- افندی، مصطفی عالی (۱۳۶۹): مناقب هنروران ؛ ترجمه توفیق سبحانی، تهران : سروش .
- جعفریان، رسول (۱۳۷۵): تاریخ تشیّع در ایران، ج۲، قم : انصاریان.
- جکسن، پیتر، لاکهارت، لورنس (۱۳۹۰): تاریخ ایران کمبریج ؛ ترجمه تیمور قادری، ج۶، تهران : مهتاب.
- حافظ ابرو (۱۳۷۲): زبده التواریخ ؛ تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، ج۲، تهران : نشر نی.
- حبیبی، عبد الحی (۱۳۵۵): هنر عهد تیموری و متفرعات آن، کابل : بنیاد فرهنگ ایران.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲): تزوکات تیموری، تهران : نشر اسدی.
- خزائی، محمّد (۱۳۸۱): مجموعه مقالات هنر اسلامی، تهران : مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- خواند میر، غیاث الدین حسینی (۱۳۶۲): حبیب السیر ؛ زیر نظر محمّد دبیرسیاقی، ج۳، کتابفروشی خیام، تهران.
- ـــــــــ، ـــــــــ(۱۳۷۲): مآثرالملوک ؛ تصحیح میرهاشم محدّث، تهران : رسا.
- خوسفی، ابن حسام (۱۳۸۱): خاوران نامه، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹): فهرست دستنوشته های ایران(دنا)، تهران : مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رفیعی، امیر تیمور(۱۳۹۰): ظهور تیمور و فتح سراسری ایران، قم : ابتکار دانش.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲): آثار ملی اصفهان، تهران : انجمن آثار ملی.
- ریشار، فرانسیس (۱۳۸۳): جلوه های هنر پارسی ؛ ترجمه ع- روح بخشان، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زمجی اسفزاری، معین الدین (۱۳۳۸): روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ؛ به کوشش سید محمّد کاظم امام، ۲ج، تهران : دانشگاه تهران.

Archive of SID

www.SID.ir

– سام میرزاصفوی (۱۳۸۴): تذکره تحفه سامی ؛ تصحیح رکن الدین همایونفرخ، تهران : اساطیر.
– سمرقندی، دولتشاه (۱۳۸۲): تذکره الشعراء ؛ تصحیح ادوارد براون، تهران : اساطیر.
– سمرقندی، محمّد بن عبدالجلیل(۱۳۶۷): قندیه و سمریه ؛ به کوشش ایرج افشار، تهران : مؤسسه فرهنگ جهانگیری.
– سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۰): هنر دربارهای ایران، تهران : نشر کارنگ .
– شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴): هنرشیعی، تهران : مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
– شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶): میراث مکتوب ؛ به کوشش محمّد تقی دانش پژوه و دیگران، تهران : نقطه.
– شیمل، آن ماری (۱۳۶۸): خوشنویسی و فرهنگ اسلامی ؛ ترجمه اسدالله آزاد، مشهد : آستان قدس.
– شامی، نظام الدین (۱۳۶۳): ظفرنامه ؛ به کوشش پناهی سمنانی، تهران : بامداد.
– طباطبائی، عبدالعزیز (۱۳۷۴): مکتبه العلامه الحلی، قم : مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
– قمی، قاضی احمد (بی تا): گلستان هنر؛ تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران : کتابخانه منوچهری .
– قلیچ خانی، حمیدرضا (۱۳۷۳): رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته به آن، تهران : روزنه.
– کاتب، احمد بن حسین(۱۳۴۵): تاریخ جدید یزد ؛ به کوشش ایرج افشار، تهران : امیرکبیر.
– مستوفی بافقی، محمّد مفید(۱۳۸۵): ج۳، جامع مفیدی ؛ به کوشش ایرج افشار، تهران : اساطیر.
– میرزا ابوالقاسمی، محمّد صادق (۱۳۸۷): کتیبه های یادمانی فارس، تهران : فرهنگستان هنر.
– میرخواند، محمّدبن خاوندشاه (۱۳۷۳): روضه الصفا ؛ تصحیح عباس زریاب، ۷ج، تهران : علمی.
– منز، فوربس (۱۳۹۲): قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان؛ ترجمه حسن اسدی، تهران : مولی.
– نوایی، امیرعلی شیر (۱۳۶۳): مجالس النفایس ؛ به سعی علی اصغر حکمت، تهران : کتابفروشی منوچهری.
– نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۹): رجال حبیب السیر، تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
– واعظ هروی، اصیل الدین (بی تا): مزارات هرات ؛ تصحیح فکری سلجوقی، بی جا.
– هروی، نجیب مایل (۱۳۷۲): کتاب آرایی در تمدّن اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس.
– هنرفر، لطف الله (۱۳۵۵): اصفهان در دوره جانشینان تیمور، مجله هنر و مردم، سال۱۴، ش ۱۶۳، ص ۶–۱۹.

Archive of SID

www.SID.ir

- یزدی، شرف الدین(۱۳۸۷): ظفرنامه ؛ تصحیح سعید میرمحمّدصادق و نوایی، ۲ج، تهران : مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Archive of SID

www.SID.ir